



چند سالی از مهمان شدن تلگرام در گوشی‌های همراه ما ایرانی‌ها می‌گذرد. هم‌اکنون بسیاری از ما آن‌چنان وابسته‌اش شده‌ایم که تصور گذراندن روزی بدون تلگرام برایمان دشوار خواهد بود. ما تلگرامی‌ها با این پیام‌رسان آبی‌رنگ و دوست‌داشتنی کارهای زیادی فراتر از گفت‌وگوی ساده با دوستان و آشنایان انجام می‌دهیم. از آن برای هماهنگی کارهای روزمره در حوزه روابط شخصی و کاری استفاده می‌کنیم، با تماشای تصاویر و کلیپ‌های مختلف خود را سرگرم می‌سازیم، از اخبار و رویدادهای جهان مطلع می‌شویم و کاربردهای فراوان دیگر. در واقع، تلگرام دیگر تنها یک پیام‌رسان نیست، بلکه همراه جدانشدنی ما در هنگام کار، اوقات فراغت و حتی در میان مهمانی محسوب می‌شود. اگر روزی به هر دلیلی تلگرام را کنار بگذاریم (همانند آنچه بر سر وایبر آمد)، باز یک پیام‌رسان دیگر در خدمت ما خواهد بود.

طرح مسئله

گذار تلگرام از یک پیام‌رسان ساده به یک ابزار همه‌کاره می‌تواند زمینه‌ساز شماری از پژوهش‌های مختلف در علوم انسانی شود؛ از روان‌شناسی برای بررسی ابعاد شخصی قضیه گرفته تا جامعه‌شناسی برای بررسی ابعاد اجتماعی آن. در این یادداشت می‌خواهم یک جنبه از مسئله را بررسی کنم: این واقعیت که تلگرام مرجع فکری بسیاری از کاربران شده و جای مطالعه اصولی کتاب و مراجع معتبر را گرفته است. امید است طرح این موضوع تلنگری باشد به همه کاربران تلگرام. بدیهی است موضوع مورد بحث مستقل از نوع نرم‌افزار است، هرچند در زمان نگارش متن، نمود بارز آن در تلگرام و اینستاگرام یافت می‌شود.

مطلب پیشنهادی



تلگرام
اگر مشترک تلگرام هستید؛ حتما این 4 ترفند را یاد بگیرید!

مرجع فکری کاربران

هزاران کانال رنگارنگ در تلگرام ساخته شده است، با زمینه‌های محتوایی متنوع. برخی از کانال‌ها تنها به فکر سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت اعضای خود هستند، تا از این رهگذر تبلیغاتی را نیز نمایش بدهند و جیب خود را پر پول سازند. اما برخی دیگر از کانال‌ها، گویی خود را مسئول می‌دانند که به ملت آگاهی و دانش عرضه کنند. البته در این میان برخی نهادها، مؤسسات و افراد معتبر نظیر ماهنامه شبکه نیز اقدام به تأسیس کانال کرده‌اند که مسلماً

موضوع بحث ما نیستند. توجه ما به کانال‌های بی‌نام و نشانی است که احتمالاً در هنگام گشت‌زنی در تلگرام، پست‌هایی مشابه موارد زیر را در آن‌ها دیده باشید:

- برای درمان بیماری سرطان، دیابت، چروک پوست و... کافی است فلان ماده غذایی را مصرف کنید.

- اگر به دنبال شادی، آرامش، سعادت، خوشبختی و... هستید، این هفت، ده، بیست... توصیه را به کار بگیرید.

- هشدار! هشدار! به‌تازگی داری جدیدی وارد بازار شده است که...

- در تحلیل اینکه چرا فلان اتفاق در جامعه افتاده، باید اشاره کرد که...

شاید این پرسش به ذهنتان برسد که چه ایرادی دارد مردم به‌صورت مختصر و مفید با واقعیت‌های زندگی آشنا بشوند؟ شاید همه ما فرصت نکنیم کتاب‌های پزشکی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... بخوانیم، اما این پست‌ها کمک می‌کنند اطلاعاتی را در حوزه‌های مختلف به گنجینه ذهن خود بیافزاییم. اما به باور من، دو دلیل زیر این فرض را زیر سؤال می‌برند:

- هیچ تضمینی وجود ندارد که مطالب کانال‌ها درست و مبتنی بر واقعیت باشند. البته در کتاب‌ها و مراجع معتبر نیز گاهی مطالب خلاف واقع نوشته می‌شود، اما به دلایل فراوان احتمال آن بسیار کمتر است، از جمله این که هر کسی می‌تواند یک کانال راه بیاندازد و با روش‌های گوناگون (و بعضاً فریبکارانه) شمار اعضای خود را افزایش دهد. در نقطه مقابل، نوشتن یک کتاب به این سادگی نیست و معمولاً هویت یک نویسنده با کتابش گره خورده است.

- با فرض اینکه مطالب کانال‌ها همگی درست و واقعی باشد، باز هم مشکل دیگری رخ می‌دهد و آن احساس دروغین دانایی است. بسیاری از ما با خواندن چند خط کوتاه در باب مثبت اندیشیدن خود را روان‌شناس تصور می‌کنیم یا با آگاه شدن از خواص چند ماده غذایی برای همگان رژیم غذایی تجویز می‌کنیم! تردیدی نیست که خیره شدن در هر موضوعی زمان زیادی می‌برد و حتی با خواندن یک یا چند کتاب نیز حاصل نمی‌شود، چه برسد با خواندن سرسری مطالب پراکنده و بلافاصله ارسال آن به دوستان و آشنایان! پس راه چاره چیست؟ با این همه، حتی اگر خودمان به دنبال دانش‌افزایی در تلگرام، اینستاگرام و هر رسانه جمعی دیگر نباشیم، باز هم ناخودآگاه چیزهایی می‌خوانیم که قرار است بر دانش ما بیافزاید. در این صورت، بهتر است خودمان را به ابزار واقعیت‌سنجی مجهز کنیم تا گرفتار انبوه مطالب غیرعلمی و شبه‌علمی در این رسانه‌ها نشویم. همچنین، هر از گاهی به این حقیقت بیاندیشیم که تلگرام تنها یک پیام‌رسان است، نه یک ابزار برای گسترش علم و دانش.

تاریخ انتشار:

نشانی منبع: